دیدگاه

ضرورت معرفت، مراقبه و آمادگی درونی برای ورود به ماه رجب
در کلام حجت‌الاسلام والمسلمین میرهاشم حسینی

بهاری معنوی در میانه زمستان دنیا

الهه صمیری| محفل خانوادگی «نفس عمیق» که به همت مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی هر هفته چهارشنبه‌ها برگزار می‌شود، این بار میزبان سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین میرهاشم حسینی بود؛ سخنرانی‌ای با محور «آمادگی و مقدمات ورود به ماه رجب» که تلاش داشت جایگاه این ماه را به‌عنوان نقطه آغاز حیات معنوی انسان و مقدمه‌ای برای درک ماه‌های شعبان و رمضان تبیین کند. سخنران در این جلسه، ماه رجب را فرصتی الهی برای بازسازی دل، احیای ایمان و بازگشت انسان از غفلت‌های دنیوی دانست و تأکید کرد: بدون آمادگی و معرفت، بهره‌مندی حقیقی از شب قدر و ماه رمضان امکان‌پذیر نخواهد بود.

فصل احیای دل‌ها و آغاز سلوک معنوی

حجت‌الاسلام والمسلمین میرهاشم حسینی در ابتدای سخنان خود با ترسیم تصویری از نظام طبیعت، به تشبیه ماه رجب به فصل بهار پرداخت و گفت: همان گونه که خداوند پس از سرمای پاییز و زمستان، فصل بهار را برای احیای طبیعت قرار داده است، در زندگی انسان نیز زمان‌هایی برای بازگشت، زنده شدن و احیای دل‌ها در نظر گرفته شده که ماه‌های رجب، شعبان و رمضان مصداق روشن آن هستند. به گفته وی، انسان در مواجهه با ظلمات دنیا، رفتارهای ناصواب و آلودگی‌های اخلاقی به تدریج دچار فرسودگی روحی می‌شود و اگر فرصت بازسازی برای او فراهم نشود، این آلودگی‌ها به تاریکی دل می‌انجامد. ماه رجب نقطه آغاز این بازسازی و حیات دوباره است. سخنران با اشاره به روایتی از کتاب «الغیبه» شیخ طوسی، به تبیین شرایط ظهور و نقش یأس عمومی در میان شیعیان پرداخت و اظهار کرد: در روایت‌ها آمده است که در مقطعی از تاریخ، شیعیان در نزاع حق و باطل دچار یأس و سرخوردگی می‌شوند و در همان نقطه است که نصرت الهی به شکلی ویژه ظهور می‌یابد. وی تأکید کرد: این نصرت خاص صرفاً یک امداد ظاهری نیست، بلکه پشتوانه‌ای عمیق و الهی دارد که ریشه در ایمان، توسل و پیوند با خاندان اهل بیت(ع) دارد و هر انسانی که در مسیر امام زمان(عج) حرکت کند، از این نصرت بهره‌مند خواهد شد.

ماه رجب؛ مقدمه‌ای ضروری برای درک شب قدر

حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی با تأکید بر اینکه شب قدر بدون آمادگی قبلی درک نخواهد شد، خاطرنشان کرد: تصور اینکه انسان بتواند بدون مقدمه و صرفاً با حضور ظاهری در شب قدر به بهره معنوی برسد، تصوری نادرست است. به گفته او، ماه رجب مانند یک دالان، نگاه را اصلاح و مسیر انسان را برای ورود به شعبان و رمضان هموار می‌کند. از همین رو، در ادعیه اهل بیت(ع) نیز بر پیوند میان این سه ماه تأکید شده است. حجت‌الاسلام والمسلمین میرهاشم حسینی در ادامه سخنان خود، «معرفت به ماه رجب» را نخستین و اساسی‌ترین مقدمه ورود به این ماه دانست و تصریح کرد: انسان پیش از هر برنامه عبادی باید بداند با چه ماهی روبه‌رو است و جایگاه آن در منظومه سلوک معنوی چیست. وی با اشاره به ریشه واژه «رجب» گفت: در روایات، «ترجیب» به معنای تعظیم آمده است؛ یعنی این ماه، ماهی است که باید با عظمت از آن یاد شود. درک عظمت ماه رجب، نگاه انسان را به عبادت، ریا و حتی ترک گناه تغییر می‌دهد و او را نسبت به رفتارهای فردی و اجتماعی حساس‌تر می‌کند.

ماه دعا و استجابت

سخنران با اشاره به جایگاه ویژه دعا در ماه رجب افزود: عظمت ماه رجب به گونه‌ای است که در برخی روایات حتی پیش از اسلام نیز به استجابت دعا در این ماه توجه می‌شده است. این ماه، زمانی برای درخواست، بازگشت و طلب مغفرت است و خداوند درهای اجابت را بیش از همیشه به روی بندگان خود می‌گشاید. به گفته وی، دعا در ماه رجب تنها یک عمل زبانی نیست، بلکه نشانه‌ای از بیداری دل و توجه انسان به نیازهای حقیقی خویش است. انسانی که در این ماه به دعا روی می‌آورد، در واقع در حال ترمیم رابطه خود با خدا و اصلاح مسیر زندگی است. حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی با تأکید بر اهمیت مراقبه در ماه رجب، اظهار کرد: این ماه، ماه دقت در رفتار، گفتار و نیت‌هاست. اگر لغزشی رخ داد، استغفار باید فوری و آگاهانه باشد. وی با نقل توصیه‌هایی از علمای اخلاق، خاطرنشان کرد: رعایت حق‌الله و حق‌الناس در ماه رجب اهمیت مضاعف دارد و بی‌توجهی به این مسئله می‌تواند انسان را از برکات این ماه محروم کند. به گفته او، بسیاری از دعاهای عاقبت به خیری که مؤمنان در پی آن هستند، ریشه در همین مراقبه‌های دقیق ماه رجب دارد.

رجب؛ کلید عاقبت به خیری

سخنران در بخش دیگری از سخنان خود، ماه رجب را «کلید عاقبت به خیری» معرفی کرد و گفت: عاقبت به خیری تنها یک دعا نیست، بلکه نتیجه یک مسیر است و آغاز این مسیر، توجه و تعظیم ماه رجب است. وی با اشاره به نقل‌هایی از علما، افزود: بسیاری از بزرگان دین، دعا برای عاقبت به خیری را در همین ماه مورد توجه ویژه قرار داده‌اند و معتقدند غفلت از عظمت ماه رجب می‌تواند انسان را از این توفیق بزرگ محروم کند. حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی با تأکید بر پیوستگی سه ماه رجب، شعبان و رمضان تصریح کرد: کسی که از ماه رجب غافل باشد، در ماه شعبان و حتی در ماه رمضان نیز بهره‌ای سطحی خواهد داشت. به گفته وی، روزه‌داری، دعا و عبادت در ماه رمضان زمانی به اوج اثرگذاری می‌رسد که انسان از پیش، دل خود را در ماه رجب آماده کرده باشد. در غیر این صورت، ممکن است حتی عبادت‌های ظاهری نیز بدون حضور قلب و اثر تربیتی انجام شود. وی با اشاره به اهمیت روزه در این ماه‌ها، خاطرنشان کرد: روزه نعمتی است که به هر کسی داده نمی‌شود و بسیاری از افراد به دلیل بیماری یا شرایط خاص از آن محروم‌اند. وی تأکید کرد: توجه به این حقیقت باید موجب شکرگزاری بیشتر کسانی شود که توفیق روزه‌داری دارند و آنان را نسبت به نعمت‌های الهی هوشیارتر کند.

ماه رجب؛ تغییر ذائقه معنوی انسان

حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی ماه رجب را ماه «تغییر ذائقه» انسان توصیف کرد و گفت: در روایت‌ها آمده است که این ماه نوع لذت انسان را تغییر می‌دهد؛ لذتی که دیگر محدود به امور مادی نیست و به سمت لذت‌های معنوی سوق پیدا می‌کند. به گفته وی، کسی که وارد این مسیر شود، نگاهش به زندگی، عبادت و حتی روابط انسانی دگرگون خواهد شد و این تحول، مقدمه‌ای برای ورود به مراحل بالاتر سلوک معنوی است. حجت‌الاسلام والمسلمین میرهاشم حسینی در ادامه سخنان خود، حیا و استقامت را از دیگر ویژگی‌های مهم ماه رجب دانست و خاطرنشان کرد: این ماه فرصتی است برای بازسازی اخلاق و تربیت قلب؛ همان گونه که در روایات آمده، تجلی حیا و شرم در وجود انسان، او را از لغزش‌های اخلاقی بازمی‌دارد و زمینه را برای رشد معنوی فراهم می‌کند. وی تأکید کرد: رعایت حیا و پاکی قلب، نه تنها در رفتار با دیگران بلکه در رابطه با خداوند نیز اثرگذار است و قلب مؤمن به مدد این ویژگی‌ها می‌تواند درست‌ترین مسیر را تشخیص دهد. وی با اشاره به اهمیت قلب سالم و ورود در مسیر سلوک معنوی گفت: قلب مؤمن منبع الهام و راهنمای عملی او است؛ این قلب حتی از استخاره نیز دقیق‌تر مسیر درست و نادرست را نشان می‌دهد. به گفته وی، ماه رجب فرصتی است برای احیای قلب‌های خسته و پراگندگی، بازگرداندن نورانیت به دل و بازسازی رابطه انسان با خدا. حجت‌الاسلام والمسلمین افزود: تجربه‌های تاریخی و روایات اهل بیت(ع) نشان می‌دهد قلب آلوده به کینه، ظلم و لقمه حرام، توانایی درک و بهره‌گیری از الطاف الهی را از دست می‌دهد، اما ماه رجب این فرصت را برای ترمیم و بازگشت فراهم می‌کند.

فصل احیا و بازسازی دل‌ها

وی با اشاره به تشبیه نخل و نیاز آن به تکیه‌گاه برای رشد مستقیم، تصریح کرد: ماه رجب ماهی است که انسان را مستقیم و استوار در مسیر زندگی قرار می‌دهد و کمک می‌کند از لغزش‌های اخلاقی و روحی جلوگیری کند. این ماه زمینه‌ای برای پیوند با ماه‌های بعدی شعبان و رمضان فراهم می‌آورد و افرادی که در این مسیر حرکت می‌کنند، آماده بهره‌مندی از الطاف معنوی بیشتری می‌شوند. حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی در جمع‌بندی سخنان خود، ماه رجب را به‌عنوان فصلی الهی برای احیای دل‌ها و بازسازی معنوی انسان توصیف کرد. او گفت: خداوند این ماه را برای بازگرداندن انسان از ظلمات دنیا و آلوده شدن دل‌ها به تاریکی‌های اخلاقی قرار داده است. بهره‌گیری درست از این ماه، زمینه‌ساز رشد معنوی، تعمیق ایمان و تقویت پیوند با اهل بیت(ع) خواهد بود. وی در پایان، عملیاتی کردن این آموزه‌ها را ضروری دانست و تأکید کرد: آمادگی برای ورود به ماه رجب تنها به نیت و فکر محدود نمی‌شود؛ بلکه مراقبه در رفتار، دقت در حق‌الله و حق‌الناس، دعا، استغفار و پرهیز از گناه اجزای ضروری این آمادگی هستند. کسانی که این مسیر را طی کنند، نه تنها از برکات ماه رجب بهره‌مند می‌شوند، بلکه برای درک بهتر شعبان، رمضان و شب قدر نیز آماده خواهند شد.

به مناسبت طولانی‌ترین شب سال در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محدث مطرح شد

یلدا را به نشاط مذهبی پیوند بزنیم

ریحانه عامل نیک تقویم ملی آیینی ما سرشار از مناسبت‌هایی است که از دیرباز موجب عمق بخشیدن به روابط خانوادگی و اجتماعی ما بوده‌اند. آیین‌هایی که در کنار انتقال معنا، فرصت با هم بودن و دور هم جمع شدن را به خانواده‌های ایرانی می‌دهند، مانند شب یلدا که بر اساس همین ظرفیت و با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در تقویم «روز ترویج فرهنگ میهمانی و پیوند با خویشان» نام گرفته است.

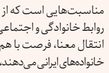

در بررسی فرصت‌هایی که این شب برای ما فراهم می‌کند و فراز و فرودهایی که دربارهٔ این شب وجود دارد با حجت‌الاسلام والمسلمین علی محدث اردبیلی، پژوهشگر و بنیان‌گذار آکادمی نشان گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

■بنا به آنچه از روایت‌ها و نقل‌های تاریخی برای ما به جای مانده است نظر اهل بیت(ع) در مورد رسوم اقوام مختلف به خصوص ما ایرانی‌ها چگونه بوده است؟

اهل بیت(ع) با فرهنگ‌ها و آیین‌های اقوام، از جمله ایرانیان، نه با تیغ حذف، بلکه با ترازوی معنا مواجه می‌شدند. منطق آنان «تقابل تمدنی» نبود؛ «اصلاح محتوایی» بود. اگر بخواهم نظر اهل بیت(ع) را در یک جمله دقیق خلاصه کنم، این است که فرهنگ‌ها تا وقتی کرامت‌سازند، محترم‌اند؛ وقتی انحراف‌ساز می‌شوند، نیازمند پالایش‌اند، نه تخریب.

اهل بیت(ع) هرگز مأمور نابود کردن سنت‌های بومی نبودند. آنچه برای آنان معیار بود، روح و کارکرد سنت بود، نه برچسب تاریخی یا جغرافیایی آن. سنتی اگر پیوندها را تقویت می‌کرد، اخلاق را زنده‌تر می‌کرد، عقلانیت را تغذیه می‌کرد و انسان را به یاد خدا می‌انداخت، نه تنها حذف نمی‌شد بلکه عملاً «تأیید ضمنی» می‌گرفت؛ حتی اگر رنگی از آن در متون دینی نیامده بود.

این نگاه به‌روشنی در توصیه راهبردی امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر دیده می‌شود؛ آنجا که درباره جامعه مصر با تمدنی کهن و غیراسلامی، می‌فرمایند: «سنت‌های نیکی را که مردم به آن خو گرفته‌اند و مایه انس، الفت و اصلاح جامعه است، از میان مبر و شیوه‌ای نو پدید نیاور که به آن سنت‌های سالم آسیب برند». (نامه ۵۳ نهج‌البلاغه) این سخن، یک بیانیه فقه فرهنگ است؛ نه فقط یک توصیه مدیریتی. در این چارچوب، ایرانیان برای اهل بیت(ع) نه «قوم بیگانه» بلکه صاحبان تمدن عقل‌محور بودند. از نگاه اهل بیت(ع) تاریخی که بر خانواده، خرد، نظم طبیعت، احترام به بزرگ‌تر، آیین‌های جمعی و اخلاق اجتماعی استوار است ظرفیت دین‌دار شدن داشت؛ نه اینکه ابتدا باید ویران می‌شد تا بعد اسلام وارد شود. به همین دلیل است که می‌بینیم بسیاری از آیین‌های ایرانی مانند دید و بازدید، تکریم بزرگان، هدیه دادن، گردهمایی خانوادگی و توجه به نظم طبیعت، نه تنها با اسلام تعارضی نیافتند، بلکه عملاً در دل فرهنگ مذهبی ما حل شدند. اگر بخواهیم نسخه عملی اهل بیت(ع) را برای مواجهه با رسوم اقوام- به‌ویژه ما ایرانی‌ها- خلاصه کنیم، سه اصل راهنماست: نخست حفظ سنت‌های پیوندساز، خانواده، صله رحم، احترام، همدلی؛ دوم پالایش سنت‌های پرهزینه و تهی از معنا و سوم تزریق عقلانیت و اخلاق به آیین‌های موجود، نه حذف شتاب‌زده آن‌ها.

با این نگاه، اهل بیت(ع) نه دشمن فرهنگ ایرانی بودند و نه شیفته بی‌چون و چرای آن؛ بلکه طبیبانی بودند که هر سنتی را نسخه‌خوانی می‌کردند.

■با توجه به مواردی که بیان کردید می‌توان نتیجه گرفت برگزاری سنت شب یلدا در نگاه و باورهای اسلامی صحیح است. اگر بخواهیم پاسخ دقیق، غیرشعاری و قابل دفاع بدهیم، باید از یک خطای رایج فاصله بگیریم: در نگاه اسلامی، پرسش این نیست که «شب یلدا اسلامی است یا نه؟» پرسش درست این است: «آنچه ما در شب یلدا انجام می‌دهیم، اسلامی است یا نه؟».

از منظر باورهای اسلامی، اصل برگزاری شب یلدا، به‌عنوان یک آیین فرهنگی، نه تنها منع شرعی ندارد، بلکه در صورت رعایت بعضی خط قرمزها قابل تأیید است؛ زیرا اسلام با «نام» مراسم کاری ندارد، با «کارکرد و پیامد آن» کار دارد.

در منابع دینی هیچ گزارشی وجود ندارد که آیین کهن شب یلدا به‌عنوان یک رسم فرهنگی، مخالف آموزه‌های دینی معرفی شده باشد. دلیلش هم روشن است: یلدا ذاتاً حامل مؤلفه‌هایی است که اسلام بر آن‌ها تأکید ویژه دارد؛ از جمله انسجام خانواده، صله رحم، گفت‌وگوی بین‌نسلی، احترام به بزرگ‌ترها و توقف در شتاب زندگی روزمره. پیامبر اکرم(ص) به صراحت می‌فرماید: نشستن مرد نزد همسر و فرزندش نزد خدا محبوب‌تر است از اعتکاف در مسجد من. این روایت یک معیار عملی به ما می‌دهد: هر آیینی که خانواده را کنار هم بنشاند، فی‌نفسه ارزشمند است.

■با توجه به موارد یاد شده، به نظر شما چه مواردی در برگزاری جشن و شادی‌های ما ممکن است آسیب‌زایی داشته باشد؟

اگر بخواهیم نظفان و بدون تعارف بگوییم، آسیب‌های جشن و شادی‌های ما اکثراً از بطن خود مناسبت برنمی‌آید بلکه از شیوه اجرای غلط آن است. مهم‌ترین موارد ظی عبارت است از:

۱. مصرف نمایشی و مسابقه تجمل. وقتی یلدا از دورهمی به پویزین تبدیل می‌شود، اسراف جای صله‌رحم را می‌گیرد.

۲. فشار اقتصادی پنهان بر خانواده‌ها شب یلدا نباید صحنه رقابت سفره‌ها و پست‌ها شود؛ این مسیر، کرامت را می‌سابد.

۳. چشم و هم‌چشمی و مقایسه فرسایند. بی‌روح. وقتی فقط «باشد» نه «فهمیده شود»، آیین به پوسته‌ای خالی بدل می‌شود.

۴. تهی شدن از معنا و تبدیل شدن به عادت شادی بی‌ذکر زود فرسوده می‌شود؛ دین با شادی مخالف نیست، با بی‌جهتی مخالف است.

۵. غفلت از یاد خدا در دل شادی. اگر تلفن همراه و فضای مجازی میهمان اصلی یلدا شود، هدف اصلی این شب عملاً نقض شده است.

۶. حاشیه رفتن خانواده به نفع نمایش مجازی. اگر خانواده در یلدا به حاشیه برود، شب یلدا مصداف با آغاز زمستان است؛ فصلی که در ادبیات روایی ما «بهار مؤمن» نام گرفته است. امام صادق(ع) می‌فرماید: «زمستان بهار مؤمن است؛ شب‌هایش بلند است برای عبادت و روزهایش کوتاه است برای روزه». (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۱۴)

اگر یلدا را نقطه شروع این فصل بدانیم، این شب می‌تواند به‌جای صرفاً یک جشن، آغاز یک بازتنظیم معنوی در زندگی مؤمنانه باشد؛ فرصتی برای مکث، تفکر و بازگشت به درون.

برخی گمان می‌کنند شب یلدا ریشه در اسطوره «تولد خدای نور و غلبه بر خدای تاریکی» دارد و از این جهت آن را شائبه‌دار می‌دانند. اما این تحلیل، بیش از آنکه ناظر به واقعیت اجتماعی امروز باشد، گرفتار تاریخ‌زدگی است. هیچ یک از ایرانیان معاصر، شب یلدا را با نیت پرستش یا باور شرک‌آلود برگزار نمی‌کنند. در فقه اسلامی نیز ملاک، «قصد و فهم فعلی مکلف» است، نه تفاسیر اسطوره‌ای منسوخ. سنتی که امروز کارکرد خانوادگی و اجتماعی دارد، با نیت‌های توحیدی یا دست‌کم غیرشرک‌آلود، مشمول آن شبهات نخواهد بود.

به این حال، تأیید اصل شب یلدا به معنای تأیید هر آنچه به نام یلدا انجام می‌شود، نیست. اگر این شب به میدان اسراف، تبذیر، چشم و هم‌چشمی و مصرف‌زدگی تبدیل شود، از منطق اسلامی فاصله می‌گیرد. اصرار بر تهیه خوراکی‌های خارج از عرف با چند برابر قیمت، یا تبدیل سفره یلدا به صحنه مسابقه تجمل، نه عقلانی است و نه دینی. اسلام حتی در مناسبک عبادی با اسراف کنار نمی‌آید، چه رسد به آیین‌های فرهنگی.

همچنین غفلت از یاد خدا یا رفتارهای خلاف عفت عمومی، در این شب یا هر شب دیگر، قابل توجیه نیست، اما این آسیب‌ها عرضی‌اند، نه ذاتی؛ یعنی به اصل یلدا مربوط نیستند، بلکه به شیوه اجرای نادرست آن بازمی‌گردند.

■شب یلدا به عنوان «روز ترویج فرهنگ میهمانی و پیوند با خویشان» در نظر گرفته شده است، از جمله دستاوردهای مثبت این شب که مطابق با باورهای اسلامی است به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟

اگر شب یلدا را از لایه تزئینات و خوراکی‌ها عبور دهیم و به «کارکرد اجتماعی» آن نگاه کنیم، دست‌کم ۶ دستاورد روشن و کاملاً همسو با باورهای اسلامی در آن دیده می‌شود؛ دستاوردهایی که امروز بیش از گذشته به آن‌ها نیاز داریم:

بازسازی صله رحم در زندگی‌های پراکنده

یلدا یک بهانه مشروع و پذیرفته شده اجتماعی برای شکستن انزوای خانوادگی است؛ همان چیزی که در سبک زندگی مدرن به شدت فرسوده شده. در منطق دینی، صله رحم فقط ثواب اخروی ندارد؛ افزایش کیفیت سلوک اجتماعی، آرامش روان و کاهش گسست‌های خانوادگی از آثار دنیوی آن است.

احیای مرجعیت عاطفی بزرگان خانواده

رفتن به خانه پدربزرگ و مادربزرگ، نشاندن آنان در مرکز جمع و شنیدن روایت زندگیشان، دقیقاً خلاف روند خطرناک امروز است که سالمندان را به حاشیه می‌راند. این همان «تکریم بزرگ‌تر»ی است که اهل بیت(ع) روی آن حساسیت ویژه داشتند.

گفت‌وگوی بین‌نسلی به‌جای شکاف بین‌نسلی

یلدا فرصتی واقعی برای همنشینی نسل‌هاست؛ جایی که نوجوان و سالمند بدون واسطه صفحه نمایش با هم حرف می‌زنند. از منظر دینی این گفت‌وگو، انتقال تجربه، اخلاق و حکمت است، نه صرف سرگرمی.

کاهش تنهایی و افسردگی پنهان

در روزگاری که تنهایی یکی از عمیق‌ترین آسیب‌های اجتماعی است، یک شب گرمابهای صمیمی می‌تواند نقش «درمان عاطفی» ایفا کند. اسلام سلامت روان را جدی می‌گیرد و هر سنتی که پیوند و دلگرمی ایجاد کند، در این مسیر قابل دفاع است.

تمرین شادمانی سالم و غیرگناه‌آلود

یلدا نشان می‌دهد شادی الزاماً به گناه، هیجان افراطی یا مصرف‌زدگی گره نخورده. خنده، شعر، خاطره و حضور خانوادگی نمونه‌ای از شادی پاک است؛ همان چیزی که دین آن را نفی نمی‌کند، بلکه هدایت می‌کند.

فهم درست شب یلدا

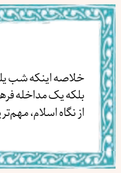

خلاصه اینکه شب یلدا اگر درست فهم و اجرا شود، نه یک شب تشریفاتی، بلکه یک مداخله فرهنگی هوشمندانه برای تقویت خانواده است و خانواده از نگاه اسلام، مهم‌ترین سنگر دین‌داری اجتماعی است.

■می‌دانیم که هر آداب و رسومی می‌تواند مزایا و معایبی داشته باشد، به نظر شما چه مواردی در برگزاری جشن و شادی‌های ما ممکن است آسیب‌زایی داشته باشد؟

راهکارهای سیره اهل بیت(ع) برای آنکه گرمای کانون خانواده به سردی نگراید و چراغ خانه‌ها همواره روشن بماند

به شوق دیدار شما؛ میراثی برای شب‌های بلند زندگی

مریم احمدی شیروان| امشب در بلندترین شب سال، خانه‌های ایرانی میزبان گرما و صمیمیتی است که در دل سنت یلدا ریشه دوانده است. شبی که در تقویم ما به نام ترویج فرهنگ میهمانی و پیوند با خویشان نشسته تا یادآور شود استحکام جامعه در گرو همین دورهمی‌های ساده و دل‌های نزدیک به هم است. اما این کانون گرم چگونه در برابر توفان‌های کوچک و بزرگ زندگی روزمره پایدار می‌ماند؟ چگونه می‌توان حرارت یک شب خاطره‌انگیز را به شعله‌ای همیشگی در دل خانه‌ها تبدیل کرد و نگذاشت چرقه‌های کوچک اختلاف، این بنای مقدس را به سردی بکشاند؟ در دین مبین اسلام با تأکید بر صله رحم و قداست خانواده، نقشه راهی دقیق برای حفظ این سنگر ارزشمند ارائه داده است. برای بررسی بیشتر این موضوع و یافتن راهکارهایی عملی که ریشه در سیره اهل بیت(ع) دارد، با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعباس لاجوردی، کارشناس خانواده و رئیس مؤسسه تحقیقاتی لیله‌القدر گفت‌وگو کرده‌ایم.

بنیان محبت؛ ستون مقاومت

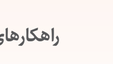

حجت‌الاسلام لاجوردی معتقد است: سنگ بنای حفظ گرمای کانون خانواده که امشب نماد آن را در دورهمی یلدا می‌بینیم، در مدیریت هوشمندانه حساس‌ترین روابط نهفته است. او بحث را با اشاره به یک اصل کلیدی در این زمینه آغاز می‌کند و می‌گوید: یکی از حساس‌ترین نقاط در زندگی مشترک، به‌ویژه برای زوج‌هایی که در ارتباط نزدیک با والدین خود هستند، نحوه تنظیم رابطه میان همسر و خانواده پدری است. هرگز نباید والدین و همسر را در مقابل یکدیگر قرار داد. بسیاری از تنش‌ها مانند اختلافات میان داماد و مادرزن یا عروس و مادرشوهر از یک محبت مشترک ریشه می‌گیرد. مادری که سال‌ها برای فرزندش زحمت کشیده، ناخودآگاه همسر فرزندش را یک رقیب در محبت می‌بیند. هنر زوجین در این است که این حساسیت را به یک فرصت برای همدلی تبدیل کنند.

او اضافه می‌کند: به جای آنکه خواسته‌های والدین را مستقیماً به همسر منتقل و ایجاد تقابل کنید، می‌توان آن خواسته‌ها را در قالب پیشنهادهای دوستانه و از زبان خود مطرح کرد. برای مثال، به جای گفتن «مادرم گفته چرا این کار را کردی؟» می‌توان گفت «چقدر دوست دارم رابطه شما با مادرم صمیمی‌تر باشد». محبت، سخنی پذیرش خواسته‌ها را کم می‌کند. زوج‌های هوشمند، احترام‌ها را تکثیر می‌کنند؛ هدیه روز مادر را هم برای مادر خود و هم برای مادر همسر تهیه و هر احترامی را به صورت متقارن به هر دو خانواده ابراز می‌کنند. این رفتارها آتش حساسیت‌ها را خاموش و شعله دوستی‌ها را فروزان‌تر می‌کند.

از بلوغ جسم تا بلوغ مسئولیت

دکتر لاجوردی در پاسخ به این پرسش که فردی که به دلیل شغل یا فعالیت‌های اجتماعی، روابط گسترده و مشکلات فراوانی دارد، باید همسرش را برای تحمل این شرایط آماده کند. این آمادگی بخشی دقیقاً چگونه باید صورت بگیرد؟ آیا صرفاً با گفتن است یا نیازمند تمرین عملی است؟ توضیح می‌دهد: این آمادگی یک فرایند است، نه یک رویداد. فردی که به واسطه شغلش مانند یک فعال اجتماعی یا فردی که دو شیفت کار می‌کند، فشار زیادی را متحمل می‌شود، نباید این خستگی و تنش را به خانه منتقل کند. اما مهم‌تر از آن، باید همسر خود را در جریان واقعیت‌های کاری خود قرار دهد و او را برای تحمل‌پذیری‌های موقت یا فشارهای ناشی از آن آماده کند. این آمادگی به معنای تقویت فوندا سیون زندگی است. شما نمی‌توانید ۱۰ دست لباس سنگین را به یک میخ سست آویزان کنید. ابتدا باید جایگاه آن میخ را روی دیوار محکم کنید، سپس بار را روی آن قرار دهید.

او می‌افزاید: در زندگی مشترک نیز ابتدا باید پیوند عاطفی و محبت را با همسر عمیق و مستحکم کرد و سپس از او انتظار همراهی در سختی‌ها را داشت. این یعنی مرد یا زنی که فعالیت زیادی در بیرون از خانه دارد، باید در زمان حضورش، یاری از دوش همسر بردارد، محبت را مضاعف کند و نشان دهد اولویت اصلی زندگی‌اش، خانواده است. آن گاه همسر نیز با درک متقابل، این غیبت‌ها یا فشارها را تحمل می‌کند. قرآن کریم نیز به ما می‌آموزد هر کس توانایی و ظرفیت بیشتری دارد، مسئولیت سنگین‌تری نیز بر دوش او است. بنابراین کسی که خود را «رجل» یا ستون خانواده می‌داند، نباید از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند.

جهاد برای ماندن؛ احسان در جدایی

این محقق سیره اهل بیت(ع) با اشاره به یکی از آسیب‌های امروز جامعه می‌گوید: متأسفانه یکی از مشکلات کنونی ما این است که برخی مردان در زندگی، نقش «رجل» به معنای واقعی کلمه را ایفا نمی‌کنند. سنشان بالا رفته و هیکلشان رشد کرده، اما از نظر شخصیتی و پذیرش مسئولیت، هنوز در دوران کودکی باقی مانده‌اند. «رجل» به معنای دین، به معنای بارکشی و حمالی نیست، بلکه به معنای مسئولیت‌پذیری، تکیه‌گاه بودن و مدیریت بحران است. برخی ادعای مردانگی دارند، اما تحمل کوچک‌ترین سختی را ندارند و با بروز نخستین مشکل، به جای حل مسئله، به فکر دادگاه و مهریه و نفقه می‌افتند. این رفتارها با روح دین سازگار نیست.

دکتر لاجوردی با تأکید بر قداست پیمان ازدواج، ادامه می‌دهد: کسی که پیوند ازدواج را برقرار کرده، نباید به جدایی فکر کند. هدف از ازدواج، رسیدن به آرامش و تکامل است، نه آزار دادن خود و دیگری. حتی اگر همسرتان خواهان جدایی بود و شما نیز در دل به آن تمایل داشتید، شتاب نکنید. جوانمرد باری را که برداشته، به زمین نمی‌کوبد و تا جایی که معقول است، آن را حمل می‌کند. در بسیاری از موارد، آنچه ما نمی‌پسندیم، ممکن است سرشار از خیر برای ما باشد، همان طور که قرآن می‌فرماید: «...فَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (سوره نساء، آیه ۱۹) «... چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد».

فرزندان؛ خط قرمز اختلافات

او اضافه می‌کند: زندگی مشترک عرصه جهاد است. همان گونه که در کلام معصوم آمده: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعُّلِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۶)؛ جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. این جهاد یعنی تحمل، فداکاری و تلاش برای ساختن. گاهی باید به خاطر عشقت به همسر و گاهی والاتر از آن، به خاطر عشقت به خدا، فداکاری کرده و برای حفظ زندگی تلاش کنی. طلاق مبغوض‌ترین حلال نزد خداوند است. راه بن‌بست نیست اما نخستین گزینه هم نیست. اگر پس از صبر، مشاوره و تلاش‌های فراوان، جدایی آخرین درمان بود، قرآن برای آن نیز راهکاری انسانی ارائه می‌دهد: «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ» (سوره بقره، آیه ۲۲۹)؛ «پس از طلاق، یا باید او را به طرز شایسته‌ای نگه داشت، یا با نیکی و زیبایی رها کرد». این یعنی حتی در تلخ‌ترین لحظه جدایی نیز نباید انتقام‌جویی، تحقیر و آزار وجود داشته باشد، بلکه باید با احسان و بزرگواری این رابطه را پایان داد.

یکی از تلخ‌ترین پیامدهای اختلافات زناشویی، درگیر کردن فرزندان در این مشکلات است. دکتر لاجوردی در این باره هشدار می‌دهد: اگر به هر دلیلی نتوانستید با هم زندگی کنید، فرزندان را وارد بازی‌های خود نکنید. چرا باید کودک را واسطه قرار داد؟ چرا مادر نزد فرزند، پدر را تخریب می‌کند و پدر، مادر را؟ پدر و مادر از یکدیگر طلاق می‌گیرند، اما از فرزند خود که طلاق نگرفته‌اند. این کودک به هر دو آن‌ها نیاز دارد. ما با وارد کردن فرزندان به مشکلات خود، آن‌ها را به آتش جهنم زندگیمان وارد کرده و زمینه‌ای را فراهم می‌کنیم که در آینده به افرادی آسیب‌دیده و شاید انتقام‌جو بدل شوند. استفاده از هر راهی برای اثبات حقانیت خود، جوانمردانه نیست.

میراث حضور؛ تربیت برای استقلال

این استاد حوزه و دانشگاه ریشه این رفتارهای آسیب‌زا را در نوعی نگاه مالکانه به فرزند می‌داند و ادامه می‌دهد: والدینی که فرزند را ابزاری برای حل اختلافات خود قرار می‌دهند، در واقع همان‌هایی هستند که در سایر جنبه‌های تربیتی نیز استقلال و هویت او را نادیده می‌گیرند. این نگاه اشتباه، خود را در دو جبهه نشان می‌دهد: یکی در زمان بحران که فرزند را سپر خود می‌کنند و دیگری در زمان آرامش که با حمایت افراطی، مانع رشد او می‌شوند. بنابراین، اصلاح این نگاه، کلید تربیت نسلی سالم است. فرزندان خود را راه رفتن یاموزید، آن‌ها را همیشه به دوش نکشید. میان آن‌ها و مشکلاتشان حائل نشوید. به آن‌ها توانایی حل مسئله بار آموزش داده و اجازه دهید مشکل را تجربه کنند. یک باز زمین خوردن، آن‌ها را قوی‌تر می‌کند. از دور و به صورت غیرمستقیم راه بهتر را به آن‌ها نشان دهید، اما اجازه دهید خودشان مسیر را طی کنند تا اعتماد به نفس و قدرت تجربه‌اندوزیشان آسیب نبیند. مادری که در آشپزخانه مدام فریاد می‌زند «دست نزن، خراب نکن»، فرزندش را از تجربه کردن محروم می‌کند. در عوض باید کنارش بایستد و اجازه دهد در کنار او آشپزی را بیاموزد.

حجت‌الاسلام لاجوردی در پایان، به کلامی گهربار از امیرالمؤمنین(ع) اشاره کرده و می‌گوید: در روابط انسانی به ویژه با خانواده، باید به گونه‌ای رفتار کرد که مصداق این کلام نورانی باشیم: «خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مُتُّمْ مَعَهَا بَكَوْا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عِشْتُمْ ح